

تاریخچه تأسیس و توسعه توپخانه سپاه در جنگ

سردار شهید

غلامرضا یزدانی*

[illegible]

الف) روند شکل‌گیری سیاه

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸، دو ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بنا به نیاز وضعیت آن دوران، تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) ابلاغ شد که مهم ترین مأموریت آن عبارت بود از: «حفاظت از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن به دلیل تهدید انقلاب از سوی ضدانقلابیون داخلی و عناصر وابسته به رژیم طاغوت».

با چنین مأموریت و دیدگاهی این ارگان تازه تأسیس سازماندهی شد که به تبع آن صرفاً تیم‌ها، دسته‌ها، گروهان‌ها و گردان‌های عملیاتی با رویکرد عملیات شهری و حفظ و ارتقای امنیت داخلی کشور شکل گرفت و سپاه در هر شهر و شهرستانی متناسب با تعداد نیروی جذب شده و وسعت سرزمینی و حساسیت‌های امنیتی خاص آن منطقه وضعیت خود را سازمان داد. بعد از مدت کوتاهی، بنا به ضرورت، فعالیت‌های فرهنگی و

* سردار شهید غلامرضا یزدانی در تاریخ ۱۹ دی ماه سال ۱۳۸۴ به همراه سردار سرلشکر شهید احمد کاظمی و تنی چند دیگر در سانحه هوایی به شهادت رسید.



مردم یاری در ابعاد مختلف نیز در کنار مأموریت حفظ امنیت انقلاب انجام می شد که به مرور زمان تقریباً با هم عجین شده و مأموریت و سازمان سپاه ماهیتی امنیتی، فرهنگی پیدا کرد که به ترتیب تقدم تبلیغات فرهنگی و سلاح دو ابزار اصلی اجرای مأموریت سپاه در این مقطع تلقی می شد. اما شورش های قومی واگرایانه در نقاط مرزی که مهم ترین آنها حوادث تجزیه طلبانه در کردستان بود سپاه را در ۱۵ ماه اول عمر خود

متوجه ضرورت تقویت صبغه نظامی کرده و با این رویکرد تا شهریور ۱۳۵۹ که در آستانه هجوم رژیم بعث عراق قرار گرفتیم، حداکثر توسعه سازمان رزم سپاه تعدادی محدود گردان های رزمی بود که با روش های چریکی و غیرکلاسیک درگیر مبارزه با اشراک و ضد انقلابیون مسلح در کردستان گردید و سنگین ترین سلاحی هم که در اختیار سپاه بود، تعدادی از انواع خمپاره انداز و نیز آرپی جی و تیربار بود. در حالی که در همین وضعیت، ضدانقلابیون در کردستان به توپخانه هم مسلح بودند.^(۱) شاید آمار کل سلاح های سپاه در آن مقطع از چند هزار تفنگ ژ۳ و کلت و ده ها خمپاره انداز و آرپی جی تجاوز نمی کرد و این، همه موجودی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود اما....

وقتی جنگ پایان یافت، وضعیت و چهره سپاه با اوایل آن نه تنها قابل قیاس که حتی قابل تصور هم نبود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در روز شروع جنگ، سازمان رزم آن شامل چند گردان رزمی و چند ده خمپاره انداز و تیربار و... بود، در مرداد سال ۱۳۶۷ به سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی، ۱۵ لشکر پیاده و زرهی با ده ها تیپ عملیاتی، صدها عراده جنگ افزار توپخانه متوسط و سنگین سازماندهی شده در قالب گروه های

توپخانه و توپخانه لشکرها، صدها دستگاه تانک و نفربر، انواع سیستم های پدافند هوایی موشکی که موفق شد پیشرفته ترین هواپیمای دشمن را سرنگون کند، سیستم موشکی زمین به زمین قدرتمند که دشمن را از شرارت باز می داشت، یگان های مخابراتی با سیستم های ارتباطی کافی، یگان های اطلاعاتی با شبکه های فعال و کارآمد، سازمان بهداری رزمی قوی که در منطقه عملیات و نزدیک خط مقدم عمل های جراحی سنگین انجام می داد، مهندسی رزمی بسیار قوی که قادر بود پروژه ای چون پل فاو یا جاده جزیره مجنون را در هورالهویزه احداث کند، یگان های شناور سبک که قادر به درگیری و ضربه زدن به ناوهای ابرقدرت ها در خلیج فارس شده بود و از همه اینها مهم تر، هزاران فرمانده مجرب و کارآمد با تجربیات بسیار ارزنده در سطوح مختلف، مجهز گردیده بود و اینها همه از برکات دفاع مقدس هشت ساله با هدایت و فرماندهی حضرت امام خمینی (ره) «ره» که محور حرکت ایشان معنویت و ادای تکلیف الهی بود، به دست آمده بود.

حال این سوال قابل طرح است که چه اتفاقاتی افتاد که آن نهال کوچک به این شجره طیبه نیرومند و پرشاخ

۱. در ماه های اولیه پیروزی انقلاب، گروه های ضدانقلاب در کردستان شورش کردند و موفق شدند ضمن تصرف بعضی شهرهای بزرگ، پادگان های ارتش را نیز تصرف کنند که از جمله تیپ مهاباد از لشکر ۶۴ ارتش تصرف شده و یک گردان توپخانه که به دست آنها افتاد و تا چند سال بعد به وسیله آنها روی نیروهای خودی اجرای آتش می کردند.

و برگ گردید؟

در این نوشتار مختصر که تحت عنوان «تاریخچه تشکیل توپخانه سپاه» به قلم کشیده شده است، صرفاً نگاهی گذرا و کلی به سیر مراحل و چگونگی شکل گیری یکی از این سازمان های مهم و تأثیرگذار بر دفاع مقدس یعنی «توپخانه نیروی زمینی سپاه» پرداخته می شود.

امید است این مقاله تصویری کلی و روشن از توپخانه سپاه به خوانندگان گرامی و نیز نسل های آینده ارائه و در حد وسع، به تلاش و مجاهدات خالصانه شهیدان، فرماندهان و رزمندگان فداکار این رسته ارج گذاشته شود.

ب) روند شکل گیری توپخانه سپاه

«بعد از عملیات ثامن الائمه (ع) که منجر به رفع محاصره آبادان گردید، از جمله غنائم به دست آمده از عراق یک آتش بار توپخانه ۱۵۵م.م کششی بود که از جانب دشمن در شمال آبادان بین دارخوین و پل مارد مستقر بود. این آتش بار توپخانه بلافاصله تعمیر و عملیاتی گشته و در همان منطقه علیه دشمن به کار گرفته شد. سه ماه بعد در عملیات فتح بستان نیز مجدداً یک گردان توپخانه ۱۳۰م.م و یک آتش بار ۱۰۵م.م پرتغالی از ارتش عراق از سوی رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین (ع) اصفهان به غنیمت گرفته شد که این گردان به دستور حسین خرازی، فرمانده تیپ، سازماندهی شده و در عملیات فتح المبین در پشتیبانی از گردان های مانوری بسیجی مبادرت به اجرای آتش کردند و این دو اتفاق مبداء شکل گیری توپخانه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

تا قبل از عملیات فتح المبین کسی به ایده تشکیل توپخانه در سپاه به طور جدی فکر نمی کرد، هرچند همه فرماندهان یگان های مانوری به خصوص در سطوح بالاتر در خلال چند عملیات کوچک و بزرگ قبل از آن این ضرورت را احساس می کردند؛ کسی به طور واقعی آن را هنوز درک نکرده بود. از طرفی، عنصر اصلی و مورد اتکا آتش پشتیبانی در سپاه تا عملیات فتح المبین خمپاره اندازها بودند که به وفور هم به

غنیمت گرفته شده بودند. اما در لایه هایی از یگان های رزم، عناصر و افرادی بودند که نیاز به جنگ افزارهای پشتیبانی با برد بلندتر و حجم بیشتر از ادوات را لمس می کردند و حتی مصرانه به دنبال آن بودند اما نمی دانستند چگونه و از کجای می توان چنین سلاح هایی را فراهم کرد. به خصوص که کشور ما با تحریم جهانی نیز مواجه بود به طوری که حتی سیم خاردار هم به ما نمی فروختند. اگر به این احساس نیاز، توسعه سریع یگان های رزمی سپاه را که ضرورتی اجتناب ناپذیر بود و بعد از هر عملیات، احتیاج به تشکیل چندین تیپ برای گسترش دامنه عملیات های بزرگ را نیز اضافه کنیم، آنگاه این کمبود بیشتر نمایان می شود.

در آستانه عملیات فتح المبین که حمله بسیار گسترده و مهمی در منطقه ای به وسعت ۵۰۰۰ کیلومتر مربع در غرب دزفول طراحی و آماده اجرا شد، یکی از مشکلاتی که ذهن طراحان و فرماندهان سپاه را به خود مشغول کرد و دغدغه آن قابل کتمان نبود، کمبود و یا

عملیات فتح المبین
با همه عظمت خود، در زمینه
آتش پشتیبانی نزدیک بیشتر
با استفاده از جنگ افزارهای
ادوات و خمپاره اندازها
انجام شد

فقدان آتش پشتیبانی کافی برای این عملیات بود. هرچند که به گردان های توپخانه ارتش، مأموریت پشتیبانی آتش ابلاغ شده بود؛ به هر حال با توجه به حجم عظیم نیروهای بسیجی در قالب تیپ هایی که سپاه سازماندهی کرده و وارد عملیات می شدند، آتش پشتیبانی اطمینان بخش وجود نداشت. با این اوصاف عملیات فتح المبین با همه عظمت خود، در زمینه آتش پشتیبانی نزدیک بیشتر با استفاده از جنگ افزارهای ادوات و خمپاره اندازها انجام شد.

برای حداکثر استفاده از مقدرات محدود موجود، برادر حسن مقدم در قرارگاه کربلا با یک حرکت ابتکاری و برنامه ریزی شده قبل از عملیات با دعوت از

شرایط بسیار سخت و فشارهای دشمن در جبهه آبادان با عراقی‌ها جنگیده بود و قدر آتش توپخانه را می‌دانست، ایده تشکیل توپخانه در سپاه را با توجه به این حجم غنائم به دست آمده به فرماندهان مافوق ارائه داد که برادر سیدرحیم صفوی، معاون عملیاتی سپاه، بدون لحظه‌ای تردید این فکر و پیشنهاد را پذیرفته و همان جا طی دست نوشته‌ای به حسن مقدم مأموریت تشکیل توپخانه سپاه را از موضع فرماندهی سپاه ابلاغ کرده و تدابیر و راهکارهای لازم را نیز ارائه و دستور داده بود هرچه زودتر تشکیلات و سازمان مناسبی را پیشنهاد دهند.

حسن مقدم بعد از اخذ ابلاغ فوق، روز بیستم فروردین سال ۱۳۶۱ مبادرت به تشکیل «مرکز توپخانه سپاه» نموده و با شناسایی، جذب و سازماندهی تعدادی از عناصر و فرماندهان موجود در رده‌های مختلف، در عمل هسته مرکزی توپخانه سپاه را فعال و بدین ترتیب کارهای بزرگی را برنامه ریزی و شروع می‌کند. از همان قدم‌های اولیه، حسن شفیع زاده نقش محوری و تأثیرگذاری در این روند ایفا می‌نماید و این دو حسن، سازمان توپخانه را بنیان گذاری و آماده اجرای مأموریت‌های مهمی می‌کنند.

به موازات این اقدامات برای انجام عملیات بیت المقدس تمام توپ‌های به غنیمت گرفته شده تعمیر، سازماندهی و در قالب گردان‌ها و آتش بارها در پشتیبانی از عملیات فوق به کار گرفته شدند. واقعاً اتفاق بزرگی افتاده بود. سپاه و بسیج مجهز به توپخانه شده بود و این موضوع برای دشمن فوق العاده شوک آور و غیرقابل تصور بود. به ویژه اینکه با استفاده از تجهیزات خود دشمن این کار انجام شده بود. تجهیز سپاه به توپخانه در تحلیل‌ها و ارزیابی‌های جهانی نیز نکته قابل توجه و تأملی بود. آنها آن را دلیلی بر قدرت قوی سازماندهی و مدیریت موفق میادین جنگ از سوی رزمندگان اسلام و فرماندهان سپاه می‌دانستند.

رزمندگان توپخانه سپاه برای به کارگیری یگان‌های توپخانه جدید خود در عملیات فتح خرمشهر هیچ کمبودی جدی‌ای نداشتند.

در فاصله بین دهم فروردین تا دهم اردیبهشت که

همه فرماندهان یگان ادوات تیپ‌ها مبادرت به ایجاد مرکزی برای هماهنگی بین یگان‌ها به منظور حداکثر استفاده از آتش‌های موجود نمود که این حرکت مبارک منجر به ارائه ایده تشکیل سازمان توپخانه بعد از این عملیات گردید. برای این کار بزرگ نه نیرویی، نه توپی، نه مهماتی، نه تجهیزاتی، نه مرکز آموزشی و خلاصه هیچ چیزی وجود نداشت اما خداوندی مدبر، مردانی با اراده، فرماندهی چون امام (ره) و نصرت‌های غیبی خداوند وجود داشت.

وقتی عملیات فتح المبین در دهم فروردین ۱۳۶۱ به پایان رسید، علاوه بر پانزده هزار اسیر و سایر غنائم، ۱۶۵ عراده، انواع توپ‌های مدرن و دوربرد و متوسط به همراه همه تجهیزات لازم و توپک‌کش و مهمات بر... و حتی خدمه و متخصصان آنها به دست رزمندگان اسلام به غنیمت گرفته شد. در یک امداد آشکار خداوندی، توپ و توپچی و توپخانه دشمن یکجا به دست سربازان امام (ره) افتاده بود.

واقعیت این است که قبل از عملیات فوق، در تصور نمی‌گنجید که چنین اتفاقی ممکن است بیفتد، ولی به هر صورت حدود ده گردان توپخانه در اختیار سپاه قرار گرفته بود و باید کار شروع می‌شد که با یک تدبیر سازمانی که تشکیل آتش بارهای چهارتویی بود، این ده گردان توپ در قالب ۱۵ گردان سازماندهی شد. حسن مقدم که فوق تخصص در شکار فرصت‌های طلایی است، روز ۱۲ فروردین با مشورت چند تن از فرماندهان از جمله حسن شفیع زاده که در این مقطع معاون تیپ المهدی (عج) بود و او نیز انگیزه‌ای قوی در ایجاد توپخانه برای سپاه داشت، به دلیل اینکه از روزهای اول جنگ با یک خمپاره انداز و روزی سه گلوله سهمیه و در

از اوایل سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶
به تدریج گروه‌های شش گانه
توپخانه سپاه تشکیل شد و با
انجام مأموریت‌های محوله در
عملیات‌های مختلف نقش
چشمگیری را در موفقیت‌های
به دست آمده ایفا کردند

بود که در تپه های «تینه» در منطقه دشت عباس و تنگه ابوغریب زاغه های بزرگ و حاوی ده ها هزار انواع مهمات موجود، به غنیمت گرفته شده بود. حجم این مهمات آن قدر بود که تا حدود ۹ ماه بعد ما مهمات توپخانه مورد نیاز خود را از این زاغه ها برداشت و مصرف می کردیم.

توپکش، تجهیزات و حتی مدارک آموزش جنگ افزارها را هم به مقدار کافی به دست آورده بودیم. باید گفت با اراده خداوند، سپاه به دست دشمن مجهز به بهترین سلاح ها، تجهیزات و مهمات روز دنیا شده بود که با آنها علیه خودش می جنگید. توپهای ۱۳۰، ۱۲۲ و ۱۵۲م. که در این عملیات و سایر عملیات ها به غنیمت گرفته شدند، از پیشرفته ترین جنگ افزارهای موجود توپخانه در دنیا تا آن زمان محسوب می شدند. جالب است هر جا که از نظر اطلاعات فنی و تخصصی در به کارگیری توپ ها با مشکلی مواجه می شدیم، بلافاصله فرمانده آتش بار یا گردان همان سلاح را از اردوگاه اسرای عراقی به منطقه آورده و او خیلی دقیق همه چیز را برای

نیروهای ما آموزش داده، به اردوگاه بر می گشت. وقتی یک فرمانده توپچی عراقی از اردوگاه برای رفع بعضی اشکالات فنی به منطقه آورده می شد و آتشباری را که خود روزی فرمانده آن بود می دید و حالا باید طرز کار آن را به بچه های بسیج آموزش می داد، صحنه ای دیدنی بود که توصیف کردنی نیست....

در زمینه آموزش های تخصصی مشکل اصلی در به کارگیری جنگ افزارها بود که سیستم آنها شرقی و ارتش نیز مانند آن را نداشت که از تجربه شان استفاده کند. لذا استفاده از مدارک آموزشی همراه غنائم، اسرای توپچی دشمن و نیز ابتکارات و تجربه رزمندگان

شروع عملیات بیت المقدس بود تمام یگان هایی که توپ غنیمتی در اختیار داشتند، مبادرت به تعمیر و راه اندازی آنها کردند. البته ۹۰ درصد توپ ها سالم و حتی بسیاری از آنها نو و آغشته به گریس کارخانه سازنده بودند.

شهید ناهیدی، فرمانده یگان ذوالفقار تیپ ۲۷ حضرت رسول (ص)، بعد از عملیات فتح المبین نگارنده را که در آن عملیات فرمانده یک گروهان ادوات بود، مامور راه اندازی و به کارگیری جنگ افزارهای ۱۵۵م. کششی به غنیمت گرفته در منطقه «علی گره زد»



نمود. وقتی آنها را تحویل گرفتم متوجه شدم هنوز گریس کارخانه توپ ها پاک نشده بود. از اطلاعات عملیات تیپ درخواست کردیم، پی گیری کنند فرمانده این گردان را که اسیر و در اردوگاه بود، برای کسب اطلاعات فنی در اختیارمان بگذارند. وقتی با سرگرد عراقی صحبت کردم گفت: «این توپ ها را عراق از فرانسه خریده و از طریق دریا حمل و پنج روز قبل از حمله شما در بندر عقبه اردن از کشتی پیاده و ۲۴ ساعت قبل آن را وارد منطقه کرده بودیم که حمله شما شروع شد و ما اسیر شدیم...»

نیازمندی اساسی که در این مرحله داشتیم، مهمات

توپخانه مبنای آموزش ها قرار گرفت که بسیار راه گشا بود. تخصص دیدبانی و هدایت آتش هم با ادوات اشتراک زیادی داشت.

بدین ترتیب طی پنج ماه یعنی از فتح المبین تا بعد از عملیات رمضان که مقطع مهم و سرنوشت سازی در شکل گیری یگان های توپخانه سپاه بود، گردان ها و آتش بارهای توپخانه یگان های رزمی سپاه تشکیل و عملیاتی شده و کم کم جای خود را در ذهن فرماندهان باز کرده و در طرح ریزی عملیات به آنها توجه و نقش داده می شد. البته با مشکلات زیادی هم مواجه بودیم. یکی از اقدامات مهم و غیرقابل اجتناب تاکتیکی ایجاد «مرکز هماهنگی

پشتیبانی آتش» بود که با توجه به حضور یگان های توپخانه ارتش در عملیات و نیز تشکیل و در اختیار داشتن توپخانه در سپاه و ضرورت ایجاد هماهنگی ها، مبادرت به ایجاد این مرکز شده که حسن مقدم خود در قرارگاه مرکزی کربلا، حسن شفیعی زاده در قرارگاه فتح و سایرین در بقیه قرارگاه های عمده، این وظیفه را انجام و هماهنگی های لازم صورت می گرفت.

ج) روند توسعه سازمان و تشکیل گروه های توپخانه
روند به غنیمت گرفتن توپخانه های دشمن در عملیات های بعدی همچنان ادامه داشت و تسلیحات غنیمتی هم زمان تعمیر، بازسازی، سازماندهی و به کار گرفته می شد و بعد از هر عملیات سازمان توپخانه توسعه می یافت. بعد از فتح المبین در عملیات های بیت المقدس ۳۰ عراده، مسلم ابن عقیل (ع) ۱۵ عراده، والفجر هشت ۲۰ عراده، والفجر دو ۱۸ عراده، کربلای پنج ۲۰ عراده، والفجر ده ۱۰۰ عراده و مرصاد ۱۸ عراده انواع

توپ های دشمن به غنیمت گرفته شد. تحلیل این روند و اینکه چگونه حتی در عملیات والفجر ده در حلبچه که در سال آخر جنگ انجام شده است، یک صد قبضه توپ به غنیمت گرفته شد، کار جداگانه ای را می طلبد، ولی به هر حال در مجموع حدود ۴۰۰ عراده انواع توپ های ارتش عراق در طول دفاع مقدس به غنیمت نیروهای خودی درآمده و در سازمان توپخانه سپاه، علیه خودشان به کار گرفته شده است. این عدد معادل یک سوم کل توپ های ارتش عراق در روز آغاز جنگ می باشد که قابل تأمل و توجه است. با انجام عملیات های گسترده یکی بعد از دیگری سازمان رزم سپاه نیز از نظر کمی و کیفی توسعه یافت. تیپ ها به لشکر تبدیل شدند. موفقیت های بزرگی که در صحنه جنگ نصیب نیروهای خودی شد و طراحان، فرماندهان و مسئولین کشور را به تقویت و توسعه رده های پشتیبانی رزمی به موازات یگان های رزمی ترغیب کرد. لذا خرید جنگ افزارهای جدید توپخانه که مقدمات آن با تدبیر حسن شفیعی زاده انجام شده بود، در اولویت قرار گرفت و با قابلیت هایی که توپخانه سپاه در طول عملیات ها از خود نشان داده و اعتماد مسئولین کشور و جنگ را جلب کرده بود، مبادرت به تأمین سلاح و مهمات و تجهیزات کرده و توپخانه سپاه بعد از مقطع شکل گیری اولیه خود جان تازه ای پیدا کرد. هم زمان با تشکیل گروه های توپخانه احساس نیاز به آتش های دوربرد و تقویت آتش یگان های رزمی نیز در دستور کار قرار گرفت لذا از اوایل سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۶ به تدریج گروه های شش گانه توپخانه سپاه تشکیل شد و با انجام مأموریت های محوله در عملیات های مختلف نقش چشمگیر و غیرقابل انکاری در موفقیت های دفاع مقدس ایفا کردند. در سال ۱۳۶۲ تقریباً همه لشکرها و تیپ های رزمی سپاه به یگان های توپخانه مجهز شده بود و بدین ترتیب سازمان توپخانه مراحل رشد و توسعه خود را طی کرد. ولی از آنجا که در ادامه دفاع مقدس و به منظور بازداشتن رژیم متجاوز عراق، ضرورت تجهیز سپاه به موشک های دوربرد برای پاسخ گویی به شرارت های دشمن بعثی، ضرورتی قطعی تشخیص داده شده بود لذا در آبان سال ۱۳۶۲ به

با پایان جنگ،

توپخانه نیروی زمینی

سپاه با هزاران نیروی

مجرب و کارآمد

و حدود ۶۰ گردان

توپخانه سازماندهی شد



برادر حسن مقدم، مأموریت راه‌اندازی و سازماندهی «فرماندهی موشکی زمین به زمین سپاه» محول و حسن شفیع زاده به عنوان فرمانده توپخانه سپاه منصوب گردید. ایشان بعد از طی مراحل شکل‌گیری اولیه توپخانه طی ۱۸ ماه گذشته، در راه توسعه و رشد و ارتقاء توان عملیاتی سپاه قدم‌های بسیار بزرگی را برداشت.

توپخانه نیروی زمینی سپاه با تدبیر و درایت فرمانده شهیدش حسن شفیع زاده به

سپاه بعد از حدود دو سال از بدو تاسیس، از چنان توان تاکتیکی برخوردار شد که در بعضی عملیات‌ها گردان‌های توپخانه ارتش را زیر امر گرفته و با طرح ریزی آتش و اقدامات استاندارد عملیاتی و تاکتیکی آنها را سازماندهی و به کار گرفت که به عنوان نمونه می‌توان به عملیات فتح فاو که با ابلاغ شورای عالی دفاع ۱۵ گردان توپخانه ارتش تحت امر سپاه به مدت ۷۰ روز به کار گرفته شدند، اشاره کرد.

(د) سازمان توپخانه بعد از جنگ

با پایان یافتن جنگ، توپخانه نیروی زمینی سپاه با هزاران نیروی مجرب و کارآمد و حدود ۶۰ گردان توپخانه سازماندهی شده و با تجربیات تخصصی بسیار ارزشمند مانند سایر بخش‌های نیروهای مسلح بازسازی خود را برنامه‌ریزی و آغاز کرد.

در این مرحله که از سال ۱۳۶۸ به بعد شروع گردید و با توجه به تشکیل دو نیروی جدید در سازمان سپاه طرح تفکیک شروع که به موجب آن کلیه نیروها، امکانات، ابنیه و... سپاه باید بین پنج نیرو متناسب با مأموریت‌های آن تقسیم می‌شد که این کار به سرعت انجام و با شکل‌گیری لشکرها و تیپ‌های متناسب و تعیین آمایش سرزمینی، یگان‌های موجود توپخانه نیز بین تیپ‌ها و

موازات اجرای مأموریت‌های سنگین محوله در ۸ سال دفاع مقدس در طول ۱۴۰۰ کیلومتر جبهه‌های جنگ با عراق و پشتیبانی یگان‌های درگیر در کردستان و نیز عملیات در جزایر و سواحل خلیج فارس، هم‌زمان موفق به کارهای بزرگ دیگری نیز شده است که این اقدامات مکمل فعالیت‌های عملیاتی بوده و بدون آنها امکان بقای سازمان توپخانه میسر نمی‌شد که از جمله مهمترین این اقدامات عبارتند از: توسعه مرکز آموزش توپخانه در اصفهان، فعال کردن صنایع دفاعی برای تولید و ساخت توپ در کشور و قطع وابستگی به بیگانه، راه‌اندازی مرکز تعمیرات توپخانه در تهران، ابداع ابتکارات تاکتیکی و تکنیکی متعدد برای پاسخ‌گویی به نیازهای جبهه در زمینه آتش پشتیبانی، برنامه‌ریزی برای کادرسازی و تربیت صدها فرمانده توپخانه در سطوح مختلف به طوری که در کل نیروی زمینی سپاه سیستم توپخانه منسجم و کارآمدی تشکیل شد، ایجاد هماهنگی تنگاتنگ با توپخانه ارتش در مأموریت‌ها و به وجود آوردن یک انسجام سازمانی بسیار مطلوب و کارآمد، تعریف و ارائه نقش بازدارندگی برای توپخانه در زمینه جنگ شهرها به وسیله توپخانه‌های دوربرد سپاه که بسیار هم کارساز واقع شد، برنامه‌ریزی برای ارتقای توان تاکتیکی در توپخانه به نحوی که توپخانه

لشکرها توزیع و سازمان شکل نهایی خود را پیدا کرد و در مقطع فعلی تمام تیپ ها و لشکرها دارای یگان های توپخانه سازمانی بوده و روز به روز توسعه کمی و کیفی مطلوبی را طی کرده اند.

هم اکنون سازمان منسجم و کارآمد توپخانه نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدها گردان و آتش بار در قالب گروه های توپخانه و توپخانه یگان های رزمی با داشتن توانایی تخصصی تاکتیکی، تکنیکی و فنی بسیار بالای خود به لطف خداوند، توجهات حضرت ولی عصر «عج» و به برکت خون شهیدان والامقام آماده اجرای مأموریت های محوله می باشد.

باید یادآور شد که توپخانه نیروی زمینی سپاه در دفاع مقدس، ۱۵۰۰ شهید و صدها جانباز و سی آزاده و مفقود الجسد تقدیم انقلاب اسلامی نموده است که برای همه آنها از خداوند علو درجات را مسئلت می نماییم.